

آرتور شوپنہاور

# متعلقات و ملحقات

مجموعہ مقالات شوپنہاور

ترجمہ رضاولی یاری



## فهرست

سخنی از مترجم ..... ۱

### کتاب اول

پاره گفتارهایی در باب تاریخ فلسفه .....	۵
درباره‌ی تاریخ فلسفه .....	۵
فلسفه‌ی پیشاسقراطی .....	۶
سقراط .....	۱۵
افلاطون .....	۱۸
ارسطو .....	۲۲
رواقیان .....	۲۷
نوافلاطونیان .....	۳۲
غنوسیان .....	۳۶
اسکوتوسی اریگنا .....	۳۷
مکتب مدرسی .....	۴۱
فرانسیس بیکن .....	۴۳
فلسفه‌ی متأخرین .....	۴۴
شفاف‌سازی‌های بیشتر درباره‌ی فلسفه‌ی کانتی .....	۵۶
برخی ملاحظات درباره‌ی فلسفه‌ی خودم .....	۱۰۸
در باب فلسفه در دانشگاه‌ها .....	۱۱۵
در باب فلسفه و روش آن .....	۱۷۷
در باب منطق و دیالکتیک .....	۱۹۷
برخی ملاحظات در باب برابرنهادی شیء فی نفسه و پدیدار .....	۲۱۱
در باب فلسفه و علوم طبیعی .....	۲۲۱
ملاحظات بیشتر در باب آموزه‌ی تصدیق و انکار اراده‌ی حیات .....	۳۰۱

## کتاب دوم

۳۱۷	..... نظراتی درباره‌ی عقل به طور کلی و از هر حیث
۳۷۷	..... ضمیمه
۳۸۱	..... چند کلمه در باب وحدت وجود
۳۸۵	..... در باب اخلاق
۴۲۷	..... در باب حقوق و سیاست
۴۵۷	..... ملاحظاتی در باب ادبیات سانسکریت
۴۶۷	..... ملاحظات باستان‌شناختی
۴۷۳	..... ملاحظات اسطوره‌شناختی
۴۸۳	..... در باب متافیزیک امر زیبا و زیباشناسی
۵۲۷	..... در باب قضاوت، نقد، تحسین و شهرت
۵۵۷	..... در باب زبان و کلمات
۵۷۵	..... واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی
۵۷۷	..... واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی
۵۷۹	..... نمایه

## پاره گفتارهایی در باب تاریخ فلسفه

### § ۱

#### درباره‌ی تاریخ فلسفه

خواندن همه‌ی تفاسیر مختلف درباره‌ی نظریات فلاسفه، یا در کل مطالعه‌ی تاریخ فلسفه به جای خواندن آثار اصلی خود فیلسوفان، مثل این است که بخواهیم شخص دیگری غذای ما را برایمان بچورد. اگر انسان می‌توانست رویدادهای جالب دوران باستان را با چشم خود ببیند آیا تاریخ جهان را مطالعه می‌کرد؟ حال در مورد تاریخ فلسفه هم باید گفت که شخص واقعاً می‌تواند در اصل نوشته‌های فلاسفه به کالبدشکافی موضوع آن بپردازد، و از جهت ایجاز به فصول اصلی و برگزیده‌ی این آثار بسنده کند، چون این آثار پر از مطالب تکراری‌اند که می‌توان از آن‌ها صرف‌نظر کرد. به این ترتیب، شخص به شکلی صحیح و ناب با اصل نظریات آن‌ها آشنا می‌شود، در حالی که از نیم‌دوجین تواریخ فلسفه‌ای که هر سال منتشر می‌شوند صرفاً می‌تواند به آن چیزی دست یابد که به ذهن یک استاد فلسفه خطور کرده، آن‌هم به شکلی که در ذهن او پیدا می‌کند. پس واضح است که افکار یک ذهن بزرگ باید بسیار کوچک شوند تا در مغز سه‌پوندی چنین طفیلی فلسفه‌ای جای بگیرند و دوباره از آن‌جا به قالب زبان امروزی ریخته شده و با انتقادات جدی و رسمی او همراه شوند. به علاوه، می‌توان حدس زد که چنین تاریخ فلسفه‌نویس پول‌دوستی به زحمت یک‌دهم آنچه را درباره‌اش حرف می‌زند خوانده است. چون مطالعه‌ی عمیق این آثار نیازمند یک عمر وقت و زحمت است، همچون وقت و زحمتی که پروکر<sup>۱</sup> بزرگ در ایام سخت سالخوردگی وقف این کار کرد. وانگهی، چه چیزی است که این افراد حقیری که سرشان به تدریس مداوم

مشهور رد کرده است. بنابراین فلاسفه‌ی الثایی واقعاً میان نمود [Erscheinung]، یعنی φαίνόμενον، و شیء فی نفسه، یعنی ὄντως ὄν، تمیز قائل می‌شدند. شیء فی نفسه نمی‌توانست به‌طور حسی درک شود، بلکه تنها با اندیشه استنباط می‌شد؛ و لذا νοούμενον بود.<sup>۱</sup> در تفاسیر بر ارسطو<sup>۲</sup>، به فلسفه‌ی پارمنیدس، یعنی τὰ κατὰ δόξαν<sup>۳</sup>، اشاره شده؛ و لذا این نظریه‌ی پدیدار و بنابراین فیزیک بوده است. در توافق با آن، بی‌شک فلسفه‌ی دیگری هم وجود داشته که τὰ κατ' ἀλήθειαν<sup>۴</sup> نامیده می‌شده، یعنی نظریه‌ی شیء فی نفسه و بنابراین متافیزیک. شرحی از فیلوپونوس<sup>۵</sup> با قطعیت درباره‌ی ملیسوس<sup>۶</sup> می‌گوید «درحالی که او (ملیسوس) در نظریه‌ی صدق اعلام می‌کند که آنچه وجود دارد واحد است، در نظریه‌ی معنا مدعی می‌شود که این‌ها دو (چند) تا هستند»<sup>۷</sup> هر اکتیوس نقطه‌ی مقابل الثاییان و احتمالاً رقیب آن‌ها بود، چون او از جنبش بی‌وقفه‌ی همه‌ی چیزها سخن می‌گفت، درحالی که آن‌ها از حرکت ناپذیری مطلق چیزها حرف می‌زدند؛ لذا هر اکتیوس خودش را به φαίνόμενον (نمود) محدود می‌کرد.<sup>۸</sup> و آن‌طور که از سخنان ارسطو<sup>۹</sup> برمی‌آید، به این طریق، دوباره آموزه‌ی مثل افلاطون را به‌عنوان برابر نهاده‌ی خود مطرح می‌کرد.

جالب است که می‌بینیم تعداد نسبتاً کمی از گزاره‌های اصلی فلسفه‌ی پیشاسقراطی به دفعات بی‌شمار در نوشته‌های باستانیان تکرار شده‌اند، ولی پس از آن‌ها تکرارها خیلی کم شده است. لذا، به‌عنوان مثال، به نظریات آناکساگوراس درباره‌ی νοῦς و ὁμοιομέρειαι<sup>۱۰</sup>؛ و نظریات امیدوکلس درباره‌ی φιλία καὶ νεῖκος<sup>۱۱</sup> و عناصر اربعه؛ و نظریات دموکریتوس و لئوکیپوس<sup>۱۲</sup> درباره‌ی αἰδέωλα<sup>۱۳</sup>؛ و نظریات

و کار اداری و گردش‌ها و تفریحات آخر هفته گرم است، و بیشترشان در جوانی تاریخ فلسفه‌نویس شده‌اند، بتوانند تحقیق جامعی درباره‌اش انجام دهند؟ تازه این‌ها می‌خواهند عملگرا هم باشند و مدعی بررسی و تشریح ضرورت و تسلسل دستگاه‌ها، و حتی مدعی نقد و تصحیح و تخطئه‌ی کار فیلسوفان مهم و اصیل دوران باستان هم هستند. با این وصف آیا می‌شود که از اسلاف خود و از یکدیگر نسخه‌برداری نکنند و بعد، برای لاپوشانی آن، به مطالب رنگ‌وبوی مدرن ندهند و به‌همین ترتیب درباره‌اش قضاوت نکنند؟ درمقابل، مجموعه‌ی برگزیده‌ای از عبارات مهم و فصول اصلی آثار همه‌ی فیلسوفان بزرگ، که حاصل کار صادقانه و مشترک پژوهشگران حقیقی و مطلع باشد، بسیار سودمند خواهد بود. چنین مجموعه‌ای می‌تواند با یک ترتیب زمانی عملگرایانه گردآوری شود، مثل کاری که گدیکه<sup>۱</sup> و بعدها ریتزر<sup>۲</sup> و پرلر<sup>۳</sup> با فلسفه‌ی دوران باستان کردند، متنها با تفصیل خیلی بیشتر. لذا این می‌شود جُنگ عظیم و جامعی که با دقت و شناخت از موضوع تهیه شده است.

پاره گفتارهایی که در ادامه می‌آیند به‌هیچ‌وجه سنتی نیستند، یعنی نسخه‌برداری نشده‌اند؛ برعکس، آرایه‌ی هستند که از مطالعه‌ی شخصی خودم در اصل آثار اصلی فیلسوفان حاصل شده‌اند.

## ۲ §

### فلسفه‌ی پیشاسقراطی

فلاسفه‌ی الثایی در واقع اولین کسانی بودند که به تضاد میان امر شهوداً ادراک شده و امر استنباط شده، یعنی میان φαίνόμενα و νοούμενα، پی بردند. نزد آن‌ها صرفاً امر استنباط شده حقیقتاً موجود، یعنی ὄντως ὄν، بود. آن‌ها می‌گفتند امر استنباط شده واحد و لایتغیر و حرکت‌ناپذیر است؛ اما φαίνόμενα، یعنی امر شهوداً ادراک شده، که پدیدار می‌شود، و به‌طور تجربی داده شده، چنین نیست. زدن چنین حرفی درباره‌ی آن مطلقاً مسخره است؛ و گزاره‌ای است ناشی از سوءفهم که دیوگنس آن را به شیوه‌ای

1. Aristotle, *Metaphysics*, 1,5, p. 986 et schol., Berlin ed., pp. 429, 430, and 509.

2. Scholia, pp. 460, 536, 544, and 798.

۳. «نظریه‌ی معنا». م.ا.

۴. «نظریه‌ی صدق». م.ا.

۵. John Philoponus (تقریباً ۴۹۰-۵۷۰)؛ فیلسوف، دانشمند و متکلم مسیحی. م.

۶. Melissus (قرن پنجم پیش از میلاد)؛ از شاگردان پارمنیدس و پیرو مکتب الثایی. م.

7. ἐν τοῖς πρὸς ἀλήθειαν ἐν εἶναι λέγων τὸ, ἐν τοῖς πρὸς δόξαν δύο φησὶν εἶναι

8. Aristotle, *De coelo*, III, 1, p. 298, Berlin edition.

9. *Metaphysics*, p. 1078.

۱۰. «ذهن» و «عناصر همگون چیزها». م.ا.

۱۱. «عشق و نفرت». م.ا.

۱۲. Leucippus (قرن پنجم پیش از میلاد)؛ فیلسوف پیشاسقراطی و بنیان‌گذار مکتب اتم‌گرایی. م.

۱۳. «نسخه‌ها و همانندی‌ها». م.ا.

۱. Fridrich Gedick (۱۷۵۴-۱۸۰۳)؛ متفکر عصر روشنگری. م.

۲. Heinrich Ritter (۱۷۹۱-۱۸۶۹)؛ فیلسوف آلمانی. م.

۳. Ludwig Preller (۱۸۰۹-۱۸۶۱)؛ زبان‌شناس و باستان‌شناس آلمانی. م.